



بررسی مبانی فقهی حقوقی تغییر حد سرقت به تعزیر برای کودکان

مصطفی حسن پور^۱

محمد جعفری هرنندی^{*۲}

محمد اسدی مهماندوست^۳

طیبه عارف نیا^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

چکیده

صغر سن، در نظام حقوقی اسلام از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب می‌شود و فقیهان بلوغ را شرط عامه تکلیف می‌دانند؛ از این رو، کودکی که مرتکب جرایم مستوجب حد یا جنایت شده باشد، از نظر فقه، مستحق اجرای حدود یا قصاص نخواهد بود. در مقررات جزایی ایران نیز عدم مسئولیت کیفری افراد نابالغ به صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است، ولی در عین حال در جرایم با مجازات‌های غیرتعزیری برای آنان اقدامات تربیتی و تعزیر وضع شده که در قسمت اخیر منافی اصل فقدان مسئولیت کیفری صغار است. لذا در پژوهش پیش‌رو، ضمن بررسی مبانی فقهی و حقوقی در این خصوص، به دنبال تبیین و تطبیق نظر صاحب نظران حوزه شریعت با مقررات جزایی صغار در زمینه تبدیل حد سرقت به تعزیر بوده و در این راستا، علل موثر در بزه کودکان را ارزیابی می‌کند. به نظر می‌رسد با توجه به اصل عدم مسئولیت کیفری صغار و عدم تناسب ایشان با معیار سنی مذکور در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، کودکان در صورت ارتکاب بزه مشمول اقدامات تأمین و تربیتی بوده و در هر حال، جوازی برای اجرای حدود و قصاص آن‌ها از نظر مقنن وجود ندارد. بنابراین مقتضی است بیش از پیش مطالعات و تحقیق‌هایی بر محور ساختار اجتماعی جهت اصلاح رفتار و اندیشه این گروه خاص متمرکز یافته و عوامل موثر در

^۱ دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hasanpoor7709@gmail.com

^۲ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): harandi_lawyer@yahoo.com

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohamad_asadi_m@yahoo.com

^۴ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. tafarnia@gmail.com

انحراف اطفال را واکاوی نمایند. دلیلی که لزوم توجه خاص متخصصان و صاحب‌نظران به این امر را برمی‌تابد، نقش موثر کودکان در ساختار آینده جامعه می‌باشد.

واژگان کلیدی: صغار، اطفال بزه‌کار، سرقت، مسئولیت کیفری، فقه و حقوق.

۱. مقدمه

هنگامی که قانون‌گذار، سن خاصی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مشخص می‌کند، به طور ضمنی این پیام را منتقل می‌کند که از دید وی، کودک در این سن به آن حد از بلوغ عاطفی، روانی و ذهنی رسیده است که بتواند مسئول رفتارهای خود پنداشته شود. به این ترتیب، روشن است که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های رشد ذهنی و روانی کودکان انجام شود. در واقع اقدام برای تعیین سنی مناسب برای مسئولیت کیفری، تکاپویی است برای رسیدن به پاسخ صحیح در این مورد که کودک در چه سنی طبیعت عملی را که مرتکب شده، به طور کامل درک می‌کند و در نتیجه، این قابلیت را دارد که مسئولیت ناشی از آن را بپذیرد.

شایان ذکر است شکل‌گیری جرم در سنین طفولیت، امری ناآگاهانه نیست، بلکه روندی تدریجی در گذر زمان دارد؛ بی تردید فضا و محیط خانوادگی در این امر، بسیار تاثیرگذار می‌باشد. مطالعه انحراف‌های اجتماعی از دیرباز مورد توجه متفکران حقوقی و اجتماعی بوده است و باید در این مقال توجه ویژه‌ای به آن گردد. لذا با عنایت به این که بزه کودکان از نظر روان‌شناسی و جامعه‌شناختی زاینده ناهنجاری‌ها و ناسازگاری‌های اجتماعی است، صرف نظر اقدامات تربیتی و تعزیری زمینه‌های پیش‌گیری از تکرار جرم و بزه سرقت را کافی نخواهد بود، بلکه باید به واکاوی و اصلاح عوامل موثر اجتماعی و خانوادگی در بزه سرقت اطفال نیز توجه نمود. از سویی، عوامل بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال متفاوت هستند و از سوی دیگر، این طبقه از جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساس‌تر و به مراتب آسیب‌پذیرتر نسبت به سایرین می‌باشند. لذا اتخاذ روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد ضروری می‌نماید.

همچنین گفتنی است که به طور کلی سه رویکرد حقوقی در مورد اطفال و نوجوانان بزه‌کار در دنیا اعمال می‌گردد این سه رویکرد عبارت است از: کیفری - قضایی یا مدل عدالت؛ غیر

قضایی یا حمایت^۱ و رژیم مختلط^۲. اکثر کشورها مانند ایران مشمول رژیم کیفری یا قضایی یا مدل عدالت هستند. (آقابابایی، ۱۳۹۸ش، ۱۹؛ نقی زاده و میوه‌یان، ۱۳۹۷ش، ۲۴).

قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ خورشیدی این مدل را به نحوی بسیط انجام داده و مقرر کرده بود که افراد تا پیش از رسیدن به سن بلوغ، فاقد مسئولیت کیفری و پس از آن، دارای مسئولیت کیفری کامل هستند. به این ترتیب، با تبعیت از شیوه دفعی و یک‌باره در تحقق مسئولیت کیفری اطفال، مرز میان حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری را در آمیخته و هر دو را یکسان انگاشته بود و در این مهم، تفاوتی بین مجازات‌های تعزیری و غیرتعزیری وجود نداشت. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ خورشیدی، مسئولیت کیفری اطفال، بدون آن‌که تفاوتی از حیث جنسیت قائل شود، تابع نظام تدریجی شده و برای گروه‌های سنی مختلف اطفال، واکنش‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است. اما ز نظر فقه جزایی، برای کودک نابالغ و بالغ تفاوت آشکاری میان آن‌چه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مطرح شده است، ملاحظه می‌شود. در واقع، نه تنها مبنای سن بلوغ در مسئولیت کیفری رعایت نشده است، بلکه مقنن ضمن الحاق نوجوانان به اطفال بزه‌کار و در راستای تساوی سازی سن مسئولیت کیفری، با نص خود مقنن و مبانی فقهی - به ویژه رای مشهور فقیهان - ناسازگار و مغایر است و به نظر سیاست افراطی در پیش گرفته شده است. هرچند که نمی‌توان به راحتی از اقدام قابل تقدیر مقنن در خصوص پذیرش مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرایم تعزیری برای اطفال و نوجوانان و در نظر گرفتن سه مرحله زمانی پس از تحقق بلوغ شرعی (سن مسئولیت کیفری) تا سن ۱۸ سالگی به عنوان مسئولیت کیفری چشم پوشی نمود. (بیگی، ۱۳۹۰ش، ۳۱ و ۳۲)

۱. این رژیم‌یکدم معمولاً در کشورهایی همچون اسکاندیناوی، اسکاتلند و بلژیک که از سطح تولید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بالایی برخوردارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایدئولوژی حاکم بر این رویه، بازپروری کودک مجرم و حمایت از او است و مبنای همگانی واکنش اجتماعی مبتنی بر سیاست جنایی مشارکتی است در باب مسئولیت کیفری کودکان نیز در این رویکرد است. (کاشفی اسماعیل زاده، ۱۳۸۹ش، ۶۲).

۲. این رویکرد ترکیبی از دو رویکرد عدالت و حمایت است. ایدئولوژی حاکم در این نظام به صورت دوگانه امنیت‌گرا در برابر کودکان و بازپروری‌کننده و حمایتی در برابر کودکان منحرف و در معرض خطر است و واکنش در برابر پدیده مجرمانه نیز به صورت دولتی و اجتماعی است. این رژیم دارای قانونی واحدی است با نظامی دوگانه. در واقع در این رویکرد، محور جزایی (مربوط به کودکان بزه‌کار) از قلمرو حمایتی (مربوط به کودکان منحرف و کودکان در خطر) تفکیک شده است. همچنان که قانون هشتم مصوب آوریل ۱۹۶۵ بلژیک مربوط به حمایت از جوانان، یک نظام دوگانه را تاسیس نموده است. دادگاه جوانان مسئول اداره نظام قضایی و کمیته‌های حمایت از جوانان، مسئول پیش‌گیری هستند. (کاشفی، همان)

۲. مفهوم شناسی بزه

تعریف طفل، جرم، مجرم، بزه‌کاری و مسئولیت کیفری از مواردی است که در حقوق کیفری اطفال، از اهمیت خاصی برخوردار و موجب تعیین حدود و ثغور این مفاهیم می‌گردد. زمانی که از بزه کاری کودکان سخن به میان می‌آید، لازم است که تعیین حدود سنی و تعریف قانونی برای اطفال صورت پذیرد:

۱- "صغیر" (طفل): صغیر در لغت به معنای کوچک و خرد است و در اصطلاح فقهی و حقوقی به کسی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده است. در مقابل، "بالغ" کسی می‌باشد که دوره صغر را پشت سر گذاشته و قوای جسمی و غریزه جنسی او نمو کافی یافته و آماده توالد و تناسل است. (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۵، ۱۸۱؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ۴، ۱۳۷؛ فیومی، ۱۴۰۳ق، ۱، ۳۷۴) فقهای اسلامی نشانه‌هایی برای بلوغ بیان کرده‌اند که برخی از آنها طبیعی فیزیولوژیکی و برخی دیگر شرعی و قانونی هستند. بیش تر فقهای امامیه، به استناد پاره‌ای روایات، سن بلوغ را در پسران ۱۵ سال و در دختران نه سال تمام قمری می‌دانند. (کاشف الغطاء، ۱۴۰۸ق، ۴۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۶، ۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۱، ۱۲۱)

۲- جرم: به معنای گناه، بزه و خطا بوده و از منظر فقهی، عبارت از هر نوع عملی که در شرع ممنوع و دارای کیفر دنیوی است، همچون حد، تعزیر، قصاص، دیه و کفاره و یا اخروی باشد؛ خواه در ارتباط با خود مجرم باشد، مانند ترک نماز و روزه و نوشیدن شراب و یا در ارتباط با دیگری، همچون ضرب و جرح و کشتن کسی. بنابراین، جرم در اصطلاح فقهی مرادف معصیت می‌باشد. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ۲، ۴۱۵؛ فتح الله، ۱۳۹۴ش، ۱، ۱۴۰) و از منظر حقوقی، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌گردد.^۱ اگرچه از نگاه سایر متخصصان علوم دیگر، تعابیر و تعاریف دیگری ارائه می‌شود که می‌توان از آن جمله، به هرگونه اقدام به انجام عملی که برخلاف هنجارهای اجتماعی، اخلاق حسنه، موازین قانونی و شرعی، مقررات اجتماعی و معیارهای ارزشی و فرهنگی در یک جامعه باشد، اشاره کرد. (صبور اردوباری، ۱۳۷۷ش، ۱۴۹ و ۱۵۰؛ صمدی، ۱۳۸۲ش، ۲۱)

۱. ماده دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خورشیدی

۳- بزه کاری: در معنا و مفهوم لفظی خود، عمل خطایی قلمداد می گردد که ناشی از ترک انجام وظیفه از قانونی یا انجام یک عمل خطایی است که جرم قلمداد نمی شود که این لفظ بیشتر برای کودکان و اطفال به کار برده می شود. به دیگر سخن، عبارت از هر عملی است که مانع رشد سالم کودکان از نظر جسمانی و عاطفی می شود. بزه کاری اطفال مجموعه عوارضی است که جنبه بالینی ندارد و قانون آن رفتار را مجرمانه و قابل مجازات می شناسد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸ش، ۶۱۸)

بزه کاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط های اجتماعی مختلف به شکل های متفاوتی دیده می شود. تعریف بزه و رفتار بزه کارانه در هر جامعه ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می شود. اگر چه در بیشتر جوامع، بزه به عنوان رفتاری قابل تنبیه از طرف قانون تعریف شده است، ولی تنها در تبیین آن، مفهوم حقوقی مساله کافی نیست، بلکه باید با نگاهی عمیق تر به آن پرداخته شود و علل موجد آن بررسی و تعیین گردد. (لطف آبادی، ۱۳۸۰ش، ۵۶)

عامل اصلی بزه کاری، پدید آمدن شرایط نامناسب است؛ زیرا در نتیجه نامناسب بودن محیط خانواده، ترس و ناامیدی کودکان تشدید می شود و وجود ترس و ناامیدی، محبت و سازش را از بین می برد و ناسازگاری را تشدید می کند. (لطف آبادی، همان) بزه، اولین پدیده ای است که با تجمع افراد به دور یک دیگر و شکل گرفتن جامعه، تظاهر می کند؛ زیرا گرد هم آمدن افراد موجب سرپیچی از برخوردهای گوناگونی بین آنان می شود و به همین دلیل، دستورها و مقرراتی پدید می آیند تا آزادی افراد را به سود جامعه مقید گردانند و حدود هر یک از افراد جامعه مشخص شود. بررسی های جرم شناسی نشان می دهند که هر معلولی علتی دارد و هیچ چیز به خودی خود به وجود نمی آید. بنابراین، هر جرمی دارای علل سازنده ای است که روی فرد اثر می گذارند و او را به سوی ناسازگاری و نا به هنجاری سوق می دهند. بر همین اساس این موضوع در اصل از مجموعه ای از جرایمی به وجود می آید که در یک زمان و مکان معین به وقوع می پیوندد و به همین دلیل زمانی که مورد بررسی قرار می گیرند، در حقیقت کلیه پدیده های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی و دیگر موارد یک جامعه به صورت شگرف مورد مطالعه واقع می شوند. (عباچی، ۱۳۸۸ش، ۲۹)

^۱ در کشور ایران حدود ۳۰ نوع بزه در میان نوجوانان رایج است که برخی از آنها عبارت هستند از: دزدی، نافرمانی، گریز از مدرسه، ول گردی، معاشرت با افراد ناباب، ضرب و جرح، مزاحمت و تخریب. (مساواتی آذر، ۱۳۷۴ش، ۸۷)

۴- تعزیر: لغت شناسان معانی گوناگونی برای واژه تعزیر بیان نموده‌اند؛ ردّ و منع (ابن اثیر، ۱۴۰۵ق، ۳، ۲۲۸)، تادیب نمودن (جوهری، همان، ۱۴۲)، سرزنش و ملامت کردن (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱، ۲۱۸)، توقیف و بازداشت (ابن منظور، همان، ۲، ۱۱۲) و زدن کم‌تر از حدّ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱، ۹۸) از جمله این معانی است. راغب اصفهانی نیز آورده است: «تعزیر، نصرت همراه با تعظیم است و آن را از این جهت تعزیر گویند که تادیب، نوعی یاری کردن مجرم جهت اصلاح رفتار می‌باشد.» (راغب، ۱۴۱۲ق، ۵۶۴) آن چه از معانی یاد شده روشن می‌شود این است که برخی از آن‌ها در وجه مثبت (تعظیم و نصرت) و بعضی در وجه منی (تادیب، ردّ و منع، ملامت و سرزنش) به کار رفته است. هر چند به نظر می‌رسد معنای ردّ و منع پذیرفته‌تر بوده و با موضوع گفتار تناسب بیش‌تری داشته باشد و در اصطلاح عبارت است از عقوبت و کیفری برای انجام رفتار مفسده‌انگیز، خلاف مصالح عموم و ارتکاب معصیت. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۲، ۱۰۴)

۵- مسئولیت کیفری: از نظر فقهی، هر گاه شخص بالغی که دارای اهلیت جزایی باشد، عملی را که در شرع ممنوع بوده و گناه تلقی می‌شود، مرتکب گردد، مجازات خواهد شد. بر این اساس، افراد نابالغ فاقد هر گونه مسئولیت کیفری می‌باشند. (محقق حلّی، ترجمه، ۱۳۷۴ش، ۴، ۱۳۷) و بر وجه قانون، ارتکاب عمل یا ترک عملی که مطابق مقررات جزایی جرم بوده و موجب تضرر جامعه شود، موجب مسئولیت کیفری است. (لنگرودی، همان، ۶۴۲)

۳. بیان مسأله (رویکرد فقه و حقوق در حوزه کیفردهی صغار)

یکی از بدیهیات نظام حقوقی اسلام این است که کودکی و جنون از عوامل رافع مسئولیت کیفری است. فقها بلوغ و عقل را از جمله شرایط عامه تکلیف می‌دانند و در نتیجه، کودکی را که مرتکب جنایت شده است، مستحق اجرای قصاص^۱ نمی‌دانند. از میان فقیهان، علامه مجلسی در کتاب خود، در بیان شرایط وجوب قصاص می‌نویسد: «شرط چهارم آن است که قاتل عقلش کامل باشد. پس اگر دیوانه، شخص عاقلی را بکشد، او را به عوض نمی‌کشند؛ بلکه از عاقله او

^۱ با این وجود در بحث جنایات، عدم مسئولیت کیفری صغیر مانع از آن نیست که دیه نفس و مادون نفس مجنی علیه پرداخت نشود، به همین جهت، در روایت معتبره اسحاق بن عمار آمده است: «عمد کودکان خطاست و دیه‌ی آن بر عاقله حمل می‌شود» (خرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۹، ۴۰۰).

دیه می‌گیرند و اگر در حالت عاقل بودن، کسی را بکشد و بعد از آن دیوانه شود، او را می‌کشند. و اگر طفل نابالغی کسی را بکشد - خواه مقتول بالغ باشد یا کودک - او را به قصاص نمی‌کنند، بلکه دیه مقتول را از عاقله او می‌گیرند. برخی گفته‌اند: اگر طفل ۱۰ سالش تمام باشد، او را قصاص می‌کنند و بعضی نیز گفته‌اند: اگر قدش پنج وجب باشد، او را قصاص می‌کنند و این دو قول آخر بین متاخرین فقها متروک است.» (مجلسی، ترجمه، ۱۳۷۸ ش، ۱۳ و ۱۴). از گفتار علامه چنین برمی‌آید که به عیده وی، تعزیر صغیر در خصوص جرم صورت پذیرفته، با تمامیت جسمانی صغیر در مواردی قابل ثابت است.

همین دیدگاه در نوشتار سایر فقهای امامیه مانند شیخ طوسی (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ق، ۸، ۲۳)، محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۵، ۱۸۵)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۲۰ ق، ۶، ۸۸)، محقق حلی (محقق حلی، همان، ۴، ۱۷۰) و شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ۱۴، ۴۶۷) به چشم می‌خورد.

در پیشینه مقررات جزایی ایران نیز عدم مسئولیت کیفری افراد نابالغ مورد پذیرش قرار گرفته، ولی در عین حال در مواردی برای آنان تعزیر وضع شده که منافی فقدان مسئولیت کیفری این افراد است. با وجود این که درباره افرادی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند، هیچ فرقی از جهت مجازات با افراد بزرگسال وجود ندارد و رشد کیفری نیز در تعیین کیفر، مورد توجه قرار نگرفته بود، اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خورشیدی به این اشکالات توجه شد و قانون‌گذار به منظور رفع این اشکالات گام‌هایی را برداشت. (گلدوزیان، ۱۳۸۷ ش، ۲۶۴؛ شامبیاتی، ۱۳۸۸ ش، ۲، ۳۵)

مطابق مواد ۸۸ و ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خورشیدی، افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند. از لحاظ فنی، مفهوم ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین است: کودکی که کمتر از نه سال سن دارد، نمی‌تواند موضوع هیچ گونه تصمیمی در نظام عدالت کیفری، حتی تصمیمات اصلاحی و مراقبتی، قرار گیرد. به بیان دیگر، این اطفال قابل محاکمه کیفری نیستند.^۱ از این حیث، موضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خورشیدی متفاوت از قانون مجازات اسلامی

^۱ در این جا می‌توان این سؤال را مطرح کرد که بر اساس نظر پذیرفته شده توسط مقنن ایران، کودک به دلیل فقدان عنصر معنوی نمی‌تواند مرتکب جرم شود یا این که مرتکب جرم می‌شود اما به دلیل فقدان مسئولیت کیفری، مجازات نمی‌شود؟ در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خورشیدی مقرر گردیده است: «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند» این بدان معنا است که از نظر قانون‌گذار، اطفال می‌توانند عنصر معنوی لازم برای جرم را داشته باشند و مرتکب جرم شوند، اما به دلیل عدم توانایی تشخیص حسن و قبح و یا فقدان توانایی در کنترل رفتارهای خود، قابل مجازات نیستند. (کیکاسی، ۱۳۹۹ ش، ۱۷۰)

سابق اس؛ زیرا طبق ماده ۴۹ آن قانون^۱، اطفال میرا از مسئولیت کیفری بودند، اما تربیت آن‌ها با نظر دادگاه بر عهده سرپرست اطفال و "عندالافتضا" کانون اصلاح و تربیت اطفال بود. به این ترتیب، در قانون سابق هیچ گونه حداقل سنّی برای حضور در دادگاه کیفری در نظر گرفته نشده بود. علاوه بر این، امکان تنبیه بدنی اطفال بزه‌کار نیز بدون در نظر گرفتن میزان سنّ آن‌ها پیش‌بینی شده بود که بر خلاف مبانی شرعی به شمار می‌رفت. (حبیب زاده، ۱۳۹۴ش، ۳۶)

در باب جرایم غیر تعزیری صغار نیز قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ خورشیدی در تبصره یکم ماده ۲۹۵، قاعده فقهی "عمد الصبیان خطا"^۲ (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۳۶۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۲۴۳) را انعکاس داده بود. بدین ترتیب که جنایت‌های عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض قلمداد می‌شود. پیش از آن، در ماده ۲۲۱ هم مقرر می‌داشت: «هرگاه دیوانه یا نابالغی عمدا کسی را بکشد، خطا محسوب شده و قصاص نمی‌شود، بلکه باید عاقله آن‌ها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند». در حالی که ظاهر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آن است که با حذف واژه‌ی "به منزله"، در حقیقت، جنایت صغیر را خطای محض می‌داند: مطابق بند "ب" ماده ۲۹۲، جنایت در مواردی که به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد، خطای محض محسوب می‌شود. در مورد اجرای حدود نیز به صراحت ماده ۲۱۷ این قانون، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتکابی نیز آگاه باشد. (صانعی، ۱۳۸۶ش، ۶۵)

این موضوع نشان می‌دهد که مقنن کیفری، با تطور در مباحث فقهی، رویکرد دوگانه و قابل پذیرش‌تری را نسبت به قانون سابق در پیش گرفته است. اما باید دید در مورد حدود - به خصوص در جایی که حدّ تبدیل به تعزیر می‌شود - رویکرد فقه چگونه است؟ در این زمینه دو نحله فکری متمایز وجود دارد؛ گروه اول، معتقد به عدم اجرای حدود بوده، ولی اعمال تعزیر به نظر حاکم را مناسب و جایز می‌دانند. اما از نظر گروه دوم، حدود الهی در مورد اطفال به ویژه در زمانی که صغیر به تکرار، مرتکب جرم شده و شبهه بلوغ وجود ندارد، الزامی است. بر همین مبنا، پژوهش پیش‌رو نظریات این دو گروه را تبیین نموده و با مقررات فعلی جزایی در باب اطفال مورد

۱. مطابق تبصره دوم ماده ۴۹ قانون مذکور، هر گاه برای تربیت طفل، تنبیه بدنی ضرورت پیدا می‌کرد، این امکان برای دادگاه پیش‌بینی شده بود؛ اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خورشیدی برای اطفال کمتر از سنّ نه سال، هیچ گونه واکنشی، حتی اصلاحی و تربیتی پیش‌بینی نشده و این بدان معنا است که این اطفال قابل محاکمه کیفری نیستند. طبعاً جواز قانونی تنبیه بدنی آنها نیز منتفی گردیده است. (دهقان، ۱۳۷۹ش، ۱۷)

تطبیق قرار خواهد داد.

۳-۱. قائلین به عدم اجرای حدود و اعمال قاعده تعزیر بما یراه الحاکم (صلاح‌دید حاکم)

نزد فقیهان، ارتکاب سرقت در صورت وجود شرایط الزامی در شخص سارق و همچنین مال مسروقه، مستوجب حدّ خواهد بود. نخستین شرط سارق که احراز جزای حدّ در حق او بیان گردیده، تکلیف (بلوغ و عقل) است. بنابراین بر کودک و دیوانه حدّ سرقت جاری نمی‌شود.^۱ نظر مشهور امامیه بر این است که در صورت ارتکاب سرقت از سوی کودک - هر چند چندین مرتبه - حدّ سرقت بر او جاری نخواهد شد. یکی از طرفداران این دیدگاه، صاحب جواهر است. (نجفی، همان، ۴۱، ۴۶۷) شهید ثانی در باب حدود آورده است: «اگر کودک و دیوانه دزدی کنند، دست‌شان قطع نمی‌شود، بلکه فقط تادیب می‌شوند، هر چند سرقت او تکرار شود؛ زیرا حدّ مشروط به مکلف بودن است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۰، ۳۷) در همین مورد شهید ثانی قولی را نقل کرده که به نظر ایشان ضعیف می‌باشد: «گفته شده است که طفل در بار اول که دزدی کند، بخشیده می‌شود و اگر برای بار دوم دزدی کرد، تادیب می‌شود و اگر برای بار سوم دزدی کرد، سر انگشت او تراشیده می‌شود تا خون جاری شود و اگر برای بار چهارم دزدی کرد، سر انگشتان او قطع می‌شود و اگر برای بار پنجم دزدی کرد، همانند حکم شخص بالغی که دزدی کند، دست او قطع می‌شود.» (شهید ثانی، همان) و در ادامه می‌افزاید: «دلیل این قول روایات صحیح زیادی^۲ است که بسیاری از فقها این نظریه را دارند، ولیکن بعید نیست که شارع مقدس نوع خاصی از تادیب را برای طفل بیان کرده باشد.» (شهید ثانی، همان، ۳۸)

امام خمینی (ره) نیز در این زمینه نوشته است: «اگر کودک دزدی کند، حدّ بر او جاری نمی‌شود و در صورت تکرار، طبق آن چه که حاکم صلاح بدانند، تنها تعزیر می‌شود.» (خمینی، ۱۴۰۷ق، ۲، ۴۸۲)

اما قانون مجازات اسلامی در این زمینه، با عنایت به معیارهای بلوغ و رشد جزایی، از معیار سنّ قمری به عنوان نشانه‌ای از رشد کیفی بهره برده است. مطابق تبصره دوم ماده ۸۸ هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حدّ یا قصاص گردد، در صورتی که از ۱۲ تا ۱۵ سال قمری

^۱. به عنوان نمونه، رک: شیخ طوسی، همان، ۲۴؛ علامه حلی، ۱۳۶۸، ۱۸۸

از جمله، روایت معتبر اسحاق بن عمار و روایت زراره از امام باقر (ع) است. (حرّعاملی، همان، ۲۸، ۳۹۸)^۲

داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای "ت" و "یا" "ث" محکوم می‌شود و در غیراین صورت، یکی از اقدامات مقرر در بندهای "الف" تا "پ" این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد. طبق تبصره یکم ماده ۸۸، تصمیمات مذکور در بندهای "ت" و "ث"، فقط درباره اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال قابل اجرا است. تدابیر قابل اعمال در مورد گروه سنی، نه تا ۱۲ سال، منحصر به موارد مذکور در بندهای "الف" تا "پ" این ماده است. از حیث ماهوی، واکنش‌هایی که قانون‌گذار در مورد این گروه سنی پیش‌بینی کرده است، جنبه ترمیمی - تربیتی دارند (صانعی، همان، ۸۶؛ کیان‌مهر و مرادی، ۱۳۹۸، ش، ۱، ۲۰۰) با این وجود، قانون‌گذار در مورد گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال، سخت‌گیری بیش‌تری نشان داده و این امکان را فراهم کرده است که علاوه بر واکنش‌های اصلاحی مورد اشاره در بند قبل، برخی تدابیر تادیبی - تنبیهی نیز در مورد آن‌ها اعمال شود. طبق تبصره یکم ماده ۸۸، کودک یا نوجوان ۱۲ تا ۱۵ ساله‌ای که مرتکب جرم تعزیری شود، ممکن است علاوه بر تدابیر مذکور در بند پیشین، مشمول واکنش پیش‌بینی شده در بندهای "ت" و "ث" این ماده نیز قرار گیرند. به ویژه واکنش مذکور در بند "ث" که عبارت از نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت سه ماه تا یک سال است، دارای جنبه تنبیهی قوی است. قسمت ذیل این تبصره، سخت‌گیری نسبت به این گروه سنی را بیش‌تر کرده و مقرر نموده که اگر این اطفال و نوجوانان مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا پنج شوند، الزاماً باید برای مدت سه ماه تا یک سال به کانون اصلاح و تربیت اعزام شوند و قاضی نمی‌تواند برای آن‌ها واکنش دیگری، از قبیل تسلیم به اشخاص واجد صلاحیت یا اخطار و تذکر و اخذ تعهد به عدم تکرار جرم، در نظر بگیرد. (قاسمی، ۱۳۹۲، ش، ۱۸)

قانون‌گذار در ماده ۸۸ از تعبیر "اطفال و نوجوانان" بین سنین نه تا ۱۵ سال استفاده کرده است. این در حالی است که تا پیش از تصویب نهایی این قانون و در لایحه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی، در این ماده صرفاً از لفظ "اطفال" استفاده شده بود. به این ترتیب، در لایحه پیشنهادی، ماده ۸۸ عملاً منصرف به پسران می‌شد؛ زیرا دختری که بین سنین نه تا ۱۵ سال باشد، از اماره بلوغ مذکور در ماده ۱۴۷ گذر کرده و جزو اطفال محسوب نمی‌شود. اما ماده ۸۸ مصوب مجلس شورای اسلامی، با استفاده از تعبیر گسترده‌تر "اطفال و نوجوانان"، شامل دختران و پسران - هر دو - می‌شود. با توجه به این مراتب، دختری که سن بلوغ را پشت سر گذاشته و طبق نظر مشهور فقهای امامیه، مسئولیت کیفری کامل پیدا کرده است، تا زمانی که به سن ۱۵ سال تمام نرسیده است، در صورت ارتکاب جرم مستوجب حدود با واکنش تخفیف یافته‌ای مشابه هم‌تایان مذکور خود مواجه می‌شود. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، ش، ۹، ۲۱، ۱۸ الی ۲۰) این تغییر

مهم، بخشی از ایرادات وارد بر قوانین سابق از حیث تبعیض بین دختران و پسران در باب مسئولیت کیفری را برطرف ساخته است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸ش، ۲۱۴ و ۲۱۵)

بدین ترتیب، اگرچه مطابق اصل عدم مسئولیت کیفری صغار، ایشان در باب حدود و قصاص مسئولیت جزایی ندارند، ولیکن اگر سن آن‌ها کمتر از معیار یا مطابق معیار سنی ذکر شده در ماده ۸۸ قانون باشد، به تناسب مستحق واکنش نظام عدالت کیفری به صورت اقدام تأمینی و تربیتی و تعزیر هستند، ولی در هر صورت در بازه سنی نه تا ۱۵ سال، جوازی برای اجرای حدود و قصاص از نظر مقنن وجود ندارد. (زارع، ۱۳۸۸ش، ۶۴)

اما این رویکرد مقنن مخالفت ظاهری با ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی دارد. مطابق این ماده دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است. به عبارت دیگر، صغیر نابالغ ۱۲ تا ۱۵ واجد مسئولیت کیفری است، لذا به صراحت قانون، نباید در نوع مجازات تغییری حادث شود. در پاسخ به این شبهه این‌گونه می‌توان استنباط نمود که مقنن به دلیل فقدان شرط بلوغ ایشان را از مجازات‌های ثابت معاف نموده اما در مورد تعزیر بلوغ فرد را ملاک قرار نمی‌دهد. (معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، ۱۳۹۶ش، ۱، ۸۵۸؛ نیازپور، ۱۳۹۴ش، ۲۸ و ۵۴)

۳-۲. قائلین به اجرای حدود در موارد تکرار و عدم شبهه در بلوغ

دومین نحله فکری در زمینه اجرای حد سرقت برای صغار - که نظر اقلیت است به‌شمار می‌رود- بر این محور استوار است که صغار در موارد تکرار و عدم شبهه در بلوغ فرد، مشمول اجرای حد سرقت خواهند بود. در همین زمینه، خوئی در "تکمل المنهاج" عمل به مضمون روایات وارده در مورد سرقت اطفال را پذیرفته است، اما معتقد است آن چه از جمع اخبار به‌دست می‌آید، قطع دست در خصوص طفلی است که نه ساله باشد. ایشان می‌نویسد: «اگر کودک دزدی کند، حدّ بر او جاری نمی‌شود، بلکه در بار اول بخشیده می‌شود، حتی بار دوم نیز بخشیده می‌شود و بار سوم تعزیر می‌شود یا سر انگشتان او بریده می‌شود یا مقداری از گوشت سر انگشتانش بریده می‌شود یا تراشیده می‌شود تا خون بیاید. اگر هفت سال داشته باشد، در صورت تکرار سرقت، از مفصل دوم انگشتانش بریده می‌شود و اگر برای بار پنجم تکرار کرد، انگشتان او بریده می‌شود، اگر نه سال داشته باشد، همانند بزرگسال در مورد او عمل می‌شود. در این باره، تفاوتی نمی‌کند که کودک از مجازات سرقت اطلاع داشته باشد یا اطلاع نداشته باشد.» (خویی، ۱۳۹۴ش، ۲۸۳)

خویی برای نظر خود به روایاتی استناد جسته که برای مجازات سرقت در مراتب سوم و بیش تر، حکم به بریدن انگشتان دست کودک داده اند. از جمله، صحیحہ عبدالله بن سنان که به نقل از امام صادق (ع) آمده است: «کودکی که دزدی می‌کند، برای مرتبه اول و دوم بخشیده می‌شود و چنانچه تکرار کرد، برای بار سوم، سر انگشتان او بریده می‌شود و اگر باز هم تکرار کند، پایین تر از آن قطع می‌گردد.» (حرّعاملی، همان، ۱۸، ۱۴)

اطلاق اکثر روایات اقتضا می‌کند انگشتان کودک که دزدی می‌کند در مرتبه پنجم قطع شود، چه نه سال داشته باشد و یا نداشته باشد. در بار پنجم که دزدی کند چه نه سال داشته باشد چه نداشته باشد، اما صحیحہ محمد ابن مسلم به نق از امام باقر (ع) اقتضا می‌کند که قطع دست در صورتی انجام می‌شود که کودک نه سال داشته باشد. اما پیش از آن، دست او قطع نمی‌شود. (فاضل مقداد، ۱۴۰۲ق، ۴۷۳) البته به بسا بتوان گفت روایت محمد بن مسلم، اطلاق روایات دیگر را مقید م‌کند. از این رو، روایات دلالت دارد که حدود به صورت کامل بر کودک جاری نمی‌شود تا زمانی که بالغ شود و کودکی که به سن نه سالگی رسیده، به دلالت روایت محمد ابن مسلم از اطلاق روایات خارج می‌شود و دیگر موارد تحت عموم منع اجرای حدود کامل بر کودکان باقی می‌مانند. (نجفی، همان، ۴۱، ۴۱۴) بجنوردی می‌نویسد: «از جمع بین به دست می‌آید که دست طفل در صورتی قطع می‌شود که نه ساله شده باشد، وگرنه هر چند دزدی را تکرار کند، دست او قطع نمی‌شود. (بجنوردی، ۱۳۹۱ش، ۱، ۵۱ و ۵۲)

بدین ترتیب از منظر فقه - بر خلاف قانون مجازات اسلامی - معیار بلوغ برای اجرای حدود کافی و مبنای آن نه سال قمری است؛ اما مطابق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خورشیدی، در جرایم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال مرتکب ماهیت جرم شوند، درحالی که حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند. دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بدانند، استفاده کند. به عبارت دیگر در قانون مجازات اجرا و اعمال حدود و قصاص برای صغار، علاوه بر معیار سنی ۱۵ تا ۱۸ نیاز به اطمینان و فقدان شبهه در رشد و کمال عقل و ادراک کامل ماهیت جرم ارتكابی از سوی ایشان است. (محقق داماد، ۱۳۸۴ش، ۴۲؛ فتحی، ۱۳۸۸ش، ۲۱، ۸۲، ۲۱) در واقع، نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال، افرادی هستند که در برزخ

حاصل از تفاوت تعریف کودک در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی قرار دارند. از منظر کنوانسیون حقوق کودک، کودک کسی است که سن وی کمتر از ۱۸ سال است.^۱ اما از نظر قوانین داخلی ایران، بالاترین سنی که می‌توان یک فرد را کودک نامید، ۱۵ سال تمام قمری (۱۴ سال و هفت ماه شمسی) بوده و آن‌چنان که گذشت مختص اطفال ذکور است.^۲ (مصفا، ۱۳۹۰، ش، ۸۱)

در قانون سابق مجازات اسلامی، مقررات خاصی برای این گروه سنی (۱۵ تا ۱۸ سال) وجود نداشت و این افراد، مسئولیت کیفری کامل داشتند. اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خورشیدی، ضمانت اجرای خاصی را برای این گروه سنی پیش‌بینی کرده و آنها را تابع نظامی متفاوت از بزرگسالان (افراد بالای سن ۱۸ سال) قرار داده است. اگرچه قانون‌گذار سن مسئولیت کیفری را به صراحت افزایش نداده، اما با پیش‌بینی نظام تدریجی مسئولیت کیفری، دامنه حمایت‌های اصلاحی و تربیتی خود را توسعه داده و این حمایت‌ها را تا حد شمول بر افراد کمتر از سن ۱۸ سال، که با هیچ قرائتی از منابع فقهی نمی‌توان آنها را کودک نامید، گسترده ساخته است. دقت در شیوه برابری مجازات‌های تعزیری برای افراد بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سال در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خورشیدی، این واقعیت را بهتر نشان می‌دهد. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ش، ۷۸) به هر ترتیب، این رویکرد مقنن به عنوان یک حکم کلی در مواد ۲۱۷ و ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی منعکس شده اما در مقررات خاصه صغار در این قانون جایگاهی ندارد.

۴. تخصصی کردن دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرایم اطفال

دادگاه‌ها با توجه به صلاحیت‌های خاصی که در قانون برای آنان مشخص شده است، گاه با بقیه مراجع قضایی متفاوت می‌شوند؛ برای نمونه، رسیدگی به جرایم روحانیون و نظامیان، با توجه به شخصیت طرف مرتکب جرم صالحیت مراجع رسیدگی کننده نیز به دادگاه نظامی یا ویژه روحانیت محول می‌گردد. (جاودان، ۱۳۹۸، ش، ۱۶۸) رسیدگی به جرایم اطفال نیز باید به همین صورت باشد. زیرا طفل در هر حال، از روحیه‌ای لطیف، سازگار با هر محیطی برخوردار می‌باشد، اگر در برابر انحراف‌هایی که او مرتکب می‌شود، ناشیانه عمل گردد، به طور حتم موجب جری نمودن او خواهد شد و او را برای انجام اعمال خلاف به مراتب مجرمانه‌تر هدایت خواهد

^۱. ماده یکم کنوانسیون حقوق کودک: از نظر این کنوانسیون، منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود.

^۲. ماده ۱۴۷-اشعار می‌دارد: «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و ۱۵ سال تمام قمری است.»

نمود، (آبراهام سن، ترجمه، ۱۳۷۱ش، ۶۶؛ آیزنک، ترجمه، ۱۳۷۵ش، ۲۳ و ۷۲) احمدی، ۱۳۶۵ش، ۹۰، خوش کنش، ۱۳۹۶ش، ۳۱) ولی هرگاه در برخورد با انحراف های اطفال تخصصی تر رفتار شود. به طور حتم درصد تکرار جرم در آنان به سمت و سوی کاهش آن پیدا خواهد کرد. رسیدگی به بزه کاری اطفال باید در ید دادگاه تخصصی باشد تا آن دادگاه به جرم مربوط رسیدگی کند و در حد امکان بتواند طفل بزه کار را ترمیم نماید و به جامعه دهد. (جهانی پور، ۱۴۰۰ش، ۲۲؛ معظمی، ۱۴۰۱ش، ۲۸ و ۱۰۳)

با این اوصاف، قانون جمهوری اسلامی ایران نیز تخصصی نمودن دادگاه های اطفال را تایید کرده و این تکلیف در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ خورشیدی، از دادگاه مخصوص به اطفال نام برده و لزوم آن بر همگان در این برهه از زمان آشکار گردیده است. (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴ش، ۶، ۱۱، ۱۷۷) نکته قابل توجه این که امر رسیدگی در این دادگاه ها، در حد امکان شرایط برای اطفال قابل تعدیل خواهد بود و از افراد با تجربه ی بالا و متخصص و نیز مشاوران استفاده می گردد. در واقع، همگان به ارتکاب این جرایم و چگونگی ارتکاب آن توسط طفل یاد شده آگاه می شوند و از انحراف های بعدی جلوگیری می گردد و رویکرد مناسبی در خصوص کاهش جرم انگاری رخ خواهد داد. (کیکاوسی، ۱۴۰۱ش، ۲۶، ۱۵۴، ۴۶)

۵. نتیجه

در حوزه فقهت و حقوق، مشهور فقها در بیان شرایط وجوب حد سرقت بر این باورند که شرط نخست در تحقق حد، بلوغ مرتکب جرم است. لذا اگر شخص نابالغ باشد مرتکب جرم مستوجب حد شود، او را به چند تازیانه که حاکم شرع مصلحت داند، تعزیر و تادیب می کنند. این دیدگاه از حدیث "رفع القلم" که یک قانون کلی شرعی است، مستفاد می شود و مانند سایر عمومات و اطلاقات قابل تخصیص یا تقیید است و مقید می باشد. حدیث مزبور بر این موضوع دلالت می کند که تنها مجازات و عقوبت بالغین از اطفال برداشته شده است، نه لزوم مواخذه (به منزله تعزیر). از این رو، مواخذه به قوت خود باقی خواهد ماند. در غیر این صورت، چنانچه مواخذه نیز به استناد قاعده سلب می گردید، اعمال آن - هر چند به کمترین میزان - بر خلاف مفاد حدیث قرار می گرفت، در حالی که هیچ کس متعرض چنین سخنی نشده و تعزیر اطفال مورد وفاق همه فقیهان مذهب امامیه می باشد.

و اما بنا به نظر گروه دوم که قائل به اجرای حدود در موارد تکرار و فرض عدم شبهه در بلوغ هستند، اطلاق اکثر روایات اقتضا می‌کند که انگشتان کودک در مرتبه پنجم ارتکاب سرقت - چه به سن نه سالگی رسیده باشد یا خیر - قطع شود. این مضمون که بدون توجه به معیار رشد جزایی و با تکیه بر مفاهیم اغلب اجتماعی و سیاسی در آن دوران که امروزه می‌توان آن را در مباحث جرم‌شناختی و جامعه‌شناسی مطرح نمود، بنا شده بود، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت، ولی از آن برای تقویت رویکرد بینابینی خود بهره برد. در همین راستا، قانون مجازات اسلامی نیز با تغییر رویکرد، معیار رشد کیفری را به معیار سن - به عنوان اماره بلوغ - افزوده و اجرای حدود و قصاص را در مورد صغار را با مقید کردن به قیود محدود نموده است.

امروزه بر اساس قانون مجازات اسلامی و وفق اصل عدم مسئولیت کیفری صغار، برای کودکان در باب حدود و قصاص مسئولیت جزایی متصور نیست، ولی اگر سن آن‌ها کم‌تر از معیار یا مطابق معیار سنی ذکر شده در ماده ۸۸ قانون باشد، به تناسب مستحق واکنش نظام عدالت کیفری به صورت اقدام تامینی و تربیتی و تعزیر خواهد بود. بدین ترتیب، در بازه سنی نه تا ۱۵ سال، جوازی برای اجرای حدود و قصاص از نظر مقنن وجود ندارد.

و اما در حوزه جامعه‌شناسی، پدیده بزه سرقت اطفال ناشی از آسیب‌های وارده بر آنان بوده که این آسیب‌ها از مجموع انحراف‌های اخلاقی، اجتماعی و خلائهای عاطفی و خانوادگی نشات گرفته است. لذا مهم‌تر از پرداختن به مساله تعقیب جرم کودکان و انجام اقدامات تامینی و تربیتی، شناسایی آسیب‌های اجتماعی و علل موثر در سوق ایشان به رفتار مجرمانه و بزه کارانه در اولویت است و پایش کانون‌های رشد و نمو کودکان و اطفال بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

۶. منابع و مأخذ (به ترتیب حروف الفبا)

۱. آبراهام سن، دیوید، روان‌شناسی کیفری، ترجمه پرویز صانعی، انتشارات احمدی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱ش،
۲. آقابابایی، حسین، قلمرو امنیت در حقوق کیفری، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۳. آیزنک، هانس یورگن، جرم و شخصیت، ترجمه حسن پاشا شریفی، انتشارات رهنما، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.

۴. احمدی، سید احمد، روان‌شناسی بزه اطفال، نوجوانان و جوانان، انتشارات مشعل، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۶۵ش
۵. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، تهران، چاپ سوم ۱۳۸۵ش.
۶. اصفهانی، محمد بن حسن (فاضل هندی)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق
۷. افقهی موسوی سبزواری، سید عبدالعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، موسسه المنار و الدار الاسلامیه، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۸. انصاری رویغی خزرچی، محمد بن مکرم (ابن منظور)، لسان العرب، دار الصادر للطباعه و النشر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۹. بیگی، جمال، بزه دیدگی اطفال در قلمرو فقه و حقوق ایران، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۱۰. جوادان، حسن، مراحل رسیدگی در دادسرا و دادگاه و تشکیلات آن، انتشارات فکرسازان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۸ش.
۱۱. جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، نشر داوری، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۲. - ، مسالک الافهام فی شرح شرایح الاسلام، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۳. جزری شببانی، مبارک بن محمد (ابن اثیر)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، موسسه اسماعیلیان، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۸ش.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۶. جهانی‌پور، محمدعلی، دادرسی کیفری اختصاصی اطفال و نوجوانان بزه‌کار، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۰ش.
۱۷. حبیب‌زاده، محمد جعفر، سرقت در حقوق کیفری ایران و مطالعه تطبیقی، نشر دادگستر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴ش.

۱۸. حرّاعلمی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۹. حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ترجمه ابوالقاسم یزدی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۴ش.
۲۰. حلّی، محمد بن منصور (ابن ادیس)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۱. حلّی اسدی، حسن بن یوسف (علامه حلّی)، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
۲۲. حلّی سیوری، مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد)، ضد القواعد الفقہیہ علی مذهب الامامیہ، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
۲۳. -، تحریر الاحکام الشرعیہ علی مذهب الامامیہ، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۴. خوش کنش، ابوالقاسم، روان شناسی بلوغ، انتشارات رشد، اهواز، چاپ اول، ۱۳۹۶ش
۲۵. زارع، محمد کاظم، تحلیل انتشار حکم محکومیت در حقوق کیفری ایران، انتشارات معرفت، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۲۶. دهقان، حمید، بررسی قانون سرقت: جرم شناسی سرقت و مطالعه تطبیقی آن در فقه و قوانین موضوعه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۸. زبیدی واسطی، محمد مرتضی بن محمد (سید مرتضی)، تاج العروس عن جواهر القاموس، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۹. شامبیاتی، هوشنگ، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر ژوبین، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۸ش.
۳۰. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۳۱. صبور اردوباری، احمد، بلوغ (نقش بلوغ در تکامل انسان ها)، نشر هدی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۳۲. صبور پور، مهدی و علوی صدر، فاطمه، سنّ مسؤلیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۶ شماره ۱۱، ۱۳۹۴ش.

۳۳. صمدی، فرزانه، بلوغ و دگرگونی‌های آن، انتشارات ایران نگین، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، المبسوط فی فقه الامامیه، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۳۵. عباچی، مریم، بررسی خलाهاى قانونی در زمینه پیش‌گیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی صغار با توجه به اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات آموزشی و تحقیقاتی قوه قضاییه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۵ش.
۳۶. فتح‌الله، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفری، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
۳۷. فتحی، حجت‌الله، مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی [مقاله]، فصلنامه حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۸۸ش.
۳۸. فراهیدی ازدی، خلیل بن احمد، العین، موسسه دار الهجره، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۹. فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، منشورات دار الرضی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۴۰. قزوینی رازی، احمد بن فارس (ابن فارس)، معجم المقاییس اللغه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۴۱. کاشفی اسماعیلی، حسن، کیفر در سیاست های جنایی کشورهای غربی، انتشارات بین المللی امین، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۴۲. کرکی، علی بن حسین (محقق کرکی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۴۳. کیان‌مهر، اصغر و مرادی و محمدرضا، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات قانون‌یار، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۸ش.
۴۴. کیکاوسی، سید محمد، بررسی ابعاد فقهی و حقوقی بلوغ ضمن در نظر گرفتن تاثیر شرایط اقلیمی بر آن (اقلیم بلوغ)، رساله اخذ مدرک دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، ۱۳۹۹ش.
۴۵. -، پیشگیری از تکرار جرم اطفال و نوجوان بزه‌کار با نگاه به فقه و قانون، مجله دادرسی، دوره ۲۶، شماره ۱۵۴، ۱۴۰۱ش.
۴۶. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۷ش

۴۷. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، انتشارات اسپید، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۴۸. مالکی، جعفر بن خضر (کاشف الغطاء، شیخ اکبر)، کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۴۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (علامه مجلسی)، حدود و قصاص و دیات، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، نشر پیام حق، تهران، ۱۳۷۸ش.
۵۰. محقق احمدآبادی، سید مصطفی (محقق داماد)، قواعد فقه - بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴ش.
۵۱. مرعشی شوشتری، محمدحسن، نظرات فقهی - حقوقی در خصوص بلوغ، رشد و مسئولیت کیفری [مقاله]، مجله دادرسی، سال نهم، شماره ۲۱، ۱۳۷۹ش.
۵۲. معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه (گردآورنده)، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری، شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۶ش.
۵۳. مساواتی آذر، مجید، آسیب شناسی اجتماعی ایران، انتشارات نوبل، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۵۴. مصفا، نسرین، کنوانسیون حقوق کودک و بهره بندی آن در حقوق داخلی ایران، انتشارات گرایش تازه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
۵۵. معظمی، شهلا، دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۱ش.
۵۶. موسوی بجنوردی، سید محمد، مجموعه مقالات فقهی و حقوقی و فلسفی و اجتماعی، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره)، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۵۷. موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، موسسه مطبوعات دار العلم، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۵۸. موسوی خویی، ابوالقاسم، تکمله المنهاج، نشر مدینه العلم، قم، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۴ش.
۵۹. میرمحمد صادقی، سید حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)، انتشارات میزان، تهران، چاپ پنجاه و پنجم، ۱۳۹۸ش.
۶۰. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

۶۱. نقی‌زاده، محدثه و میوه‌یان، میلاد، کودکان کار- معضل بین المللی، انتشارات فرزانه‌گاه دانشگاه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ش.
۶۲. نوری طبرسی، حسین بن محمد (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۶۳. نیازپور، امیرحسین، دادگاه‌های کیفری رسیدگی‌کننده به جرم‌های اطفال و نوجوانان، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.